

دستاورد مناظره

رنگ ورخساره نشان میدهد از سر نهان

امیرفیض- حقوقدان

بطوریکه استحضار دارید، چند روز قبل مناظره ای بین ایرانیار آقای مهدی میرقادری (مبارز نستوه) با امید دانا صورت گرفت که بعدا تحریرات هم بنحوی خود را به آن داخل ساخت.

اکنون تحریر حاضر مایل است قدری بیشتر در اطراف آن مناظره وارد باشد؛ چرا که همگان میدانند که تحریرات، نسبت به نامه هشدار و محکمه صحرایی و تبعات آن بکنار نبوده و در حد فرصت به رد آنها پرداخته (بیش از ۳۰ مورد نوشته) و از بیان دستاوردهای فاسد آن برنامه کوتاهی نکرده است.

دستاوردها

** حل (کی بود کی بود) *

نخستین دستاوردی که میتوان آنرا در جهت تکمیل تحریرات آورد اعلام آقای میرقادری و تانید سکوت آمیز امید دانا بود.

توضیح اینکه تحریرات وابسته به توطئه نامه هشدار نتوانست عامل وبانی ویا دلال مظلمه این توطئه و جنایت تاریخی را مشخص کند و از آنجا که امید دانا مدعی شده بود که اوهم دخالتی در موضوع نداشته و در کنار امضا کنندگان جای دارد و نیز مدعی بود که طرح نامه هشدار از سوی عده ای از شخصیت های زمان شاهنشاه آریامهر و حقوقدانان بتحریر درآمده، تحریرات، با سردرگمی روبرو شد و نتوانست دلال مظلمه این جنایت را دقیقا معرفی کند... و تنها به اعتبار دفاعیات مفصل آقای احمد فراستی از آن توطئه و پیوستگان آن، این فرض را برای تحریرات ایجاد کرد که مغز متفکر و برنامه ریز آن توطئه میتواند فراستی باشد.

گواهی آقای میرقادری

آقای میرقادری در این مناظره شخصا گواهی داد که امید دانا به ایشان رجوع کرده وبا اصرار خواسته است که نامه هشدار را امضا کند و آقای میرقادری علاوه بر خود داری از امضا به ایشان هم تذکر داده که این کار خیانت و کار نادرسی است و ایشان زیر بار نرفته است.

گواهی آقای میرقادری نشان میدهد که امید دانا هرچه باشد دلال مظلمه و عامل به حرکت درآوردن آن توطئه بوده است بنابراین با تشکر از آقای میرقادری، ابهام تحریرات نسبت به عامل و محرک طرح نامه هشدار و تبعات آن اصلاح میشود و آن توطئه کثیف تاریخی بنام امید دانا ثبت میگردد.

اینکه میگویند <زخم بدخیم آخرخودش را نشان میدهد> همین مورد است.

دستآورد دیگری که از شهادت آقای میرقادری و تائید امید دانا بدست میآید این است؛ که امید دانا یک دروغگوست زیرا علیرغم ادعای او که در توطئه نامه هشدار دست و دخالتی نداشته اکنون معلوم میشود که عامل وقوه محرکه آن توطئه خود امید دانا بوده است.

ابهامات در مسیر مناظره

****** مناظره، همانطور که از نامش برمیآید برخورد نظرات است، برای رسیدن به حقیقت؛ بنابراین مناظره از دو وجه مهم و وجوهات کم اهمیت تری باید برخوردار باشد تا بتوان به مناظره اعتبار داد.

شرط صلاحیت

نخستین شرط مهم، صلاحیت طرفین مناظره است و آن به معنای صلاحیت موضوعی است؛ یعنی مناظرین نسبت به موضوع مناظره اشراف اعتباری داشته باشند و در مثل، اگر موضوع مناظره امور طبی باشد طرفین طیب و متخصص امور درمانی باشند و اگر صنعتی است و یا ورزشی است شرکت کنندگان در آن امور، معروف باشند.

امید دانا همانطور که در تحریرات نقل قول از خودش شده است **>ایشان کار سیاسی نمیکند و تنها اطلاع رسانی میکنند<** معنای شغل و تصدی به عمل اطلاع رسانی این است که موضوعاتی را که دیگران و یا بصورت اخبار منتشر میشود ایشان آنها را به اطلاع دیگران میرساند.

در مناظره مزبور، آقای میرقادری یک وبلاک نویس یعنی اظهار کننده و محقق معرفی شده است، طرف مناظره ایشان باید یک وبلاک نویس و یا یک محقق باشد نه اطلاع رسان که در معنا میشود نامه رسان و یا ناقل قول دیگران و یا ربات.

در این مناظره رکن ظرفیت که لازمه اندازه گیری و قضاوت است مفقود میباشد.

****** اطلاع رسان، ناقل قول دیگران است و چون ناقل مسئولیتی در نقل قول ندارد اصرار و سماجتی هم در قبول قول دیگران نباید داشته باشد مثل نامه رسان که نامه را میدهد و میرود.

روایتی که کس از قول دیگران گوید اگر صواب بود و رخصاست معذور است (پریشان)

در حالیکه امید دانا در آن مناظره اصرار توأم با تعصب و عصبانیت داشت که حتما اتهاماتی را که به اعلیحضرت وارد ساخته است را بقبولاند.

محدودیت موضوع مناظره

****** مسائل مطروحه در مناظره مورد بحث در مناظره محدود به دو مورد جزایر سه گانه ایران و نام خلیج فارس بود؛ هر دو آنها در ابعاد مسائل سیاسی است که نیاز به تبحر و تخصص دارد و در صلاحیت عامه نیست خاصه امید دانا که صریحا مقام و موقعیت فعالیت خود را محدود به اطلاع رسانی کرده و آنرا چند بار هم اذعان و تکرار نموده است.

نظام صلاحیت یکی از مهمترین ارکان بقای اجتماعات بشری است و حتی تخلف و عدم رعایت آن جرم تلقی میشود لذا روالی که در مناظره مزبور دیده میشود مناظره شناخته نمیگردد.

ضرب المثل <هرکسی کار خودش بار خودش آتش به انبان خودش> همین را میگوید که هرکس باید در کاری دخالت کند که صلاحیت دارد و صلاحیت را هم خود شخص برای خودش تعیین نمیکند.

موقعیت نظر و حکم

****** از آنجا که نظر مقدمه اصدار رای است. یعنی نظر بعد از تعاطی و برخورد با نظرات دیگر به حکم منجر میشود، لذا کسانی که قبل از مناظره و برخورد نظرات نسبت به موضوعی حکمی داده اند نمیتوانند در مناظره شرکت کنند (آئین دادرسی مدنی).

با راهنمایی اصل بالا، امید دانا که از سالها قبل از مناظره مزبور، اعلیحضرت نماد ملی ایرانیان، را که خود امید دانا هم این حکم اصیل و حقوقی و بنیادی ایرانیان نسبت به اعلیحضرت را قبول داشته به بدترین اتهامات و فحاشی ها متهم کرده (علاقمدان به کلکسیون فحاشی های امید دانا رجوع فرمایند)؛ این چنین شخصی که قبل از شروع مناظره نسبت به موضوع مناظره اصدار حکم و رای کرده و اعلیحضرت را محکوم ساخته نمیتواند طرف مناظره قرار گیرد اگرچه اساسا کارش فعالیت سیاسی و یا تحقیق باشد زیرا موضوع مشمول قاعده <مصادره به مطلوب میگردد>.

تکمیل کلکسیون فحاشی

بر آن کلکسیون باید فحش و اتهام <ناپهلوی> که رساگر نزدیکی به معنای حرام زاده است را که در همین مناظره از سوی امید دانا نسبت به اعلیحضرت مصرف گردید اضافه شود. ناپهلوی همانند نامرد، نفهم و امثال آنها به معنای نفی صفت است و در تطبیق مورد ناپهلوی میشود کسی که از صفات پهلوی بدور است و میشود مشمول این بیان سعدی که:

پسر کوندارد نشان از پدر توبیگانه خوانش نخوانش پسر

یعنی حرامزاده و آنطور که آقای میرقادری در این مناظره اعلام کرد؛ امید دانا با جعل و حرکت بسیار زشت و نامرادانه ای از الصاق تصویر رفسنجانی به تصویر اعلیحضرت نمائی از تحقیر و کینه ورزی ساخته و ارانه داده است (سابقه این کار را میتوان در عمل کمونیست های ایرانی مقیم آلمان هنگام سفر شاهنشاه به آلمان یافت) بنابراین بر کلکسیون ۳۱ موردی فحاشی امید دانا و همراهانش به اعلیحضرت اتهام حرامزادگی افزوده میگردد.

مناظره نسبت به موضوع است نه اشخاص

****** مناظره نسبت به موضوعات است نه نسبت به اشخاص، نسبت به اشخاص قضاوت، داوری و یا حکم قضائی نامیده و یا اصدار میشود در مناظره مورد بحث آقای میرقادری نسبت به موضوع اظهار نظر میکرد و امید دانا روی شخص، این را نمیشود گفت مناظره. میشود جرح و جدل.

****** همانطور که لازمه اظهار نظر نسبت به موضوعات، تخصص و صلاحیت علمی نسبت به آن موضوعات است داوری و یا قضاوت نسبت به شخصیت ها هم ملاک خاصی دارد که جامعه به رعایت آن قواعد اجازه نمیدهد که هر بی سر و بی پای ویا آدم بد سابقه و محشور به فساد اخلاقی وارد قضاوت نسبت به شخصیت ها شود چنانکه در همه کشورها شخصیت ها در شرایط خاصی و بوسیله هیئت های خاصی مورد قضاوت قرار میگیرند.

اهانت به ملت ایران

در حالیکه اعلیحضرت رضاشاه دوم نماد ملت ایران شناخته میشود و این واقعیت را امید دانا و وابستگان به او قبول داشته و اعلام کرده اند، امید دانا و هیچکس در حدی نیست که نماد ملت ایران را به اتهامات از جمله دشمنی با موجودیت ایران محکوم کند و >آفرین بگوید به کسانی که به رضاپهلوی توهین میکنند>؛ توهین و اهانت و فحاشی نسبت به نماد ملی ایرانیان یعنی توهین به ملت ایران است که حدی بر بی شرافتی و سنگینی اتهام آن نمیشود قائل شد و چنین توهینی در تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران کاملاً بی سابقه است.

حسن نیت در مناظره

****** غرض از مناظره، مباحثه و بحث رسیدن به حقیقت و رفع تعارضات و نزدیکی نظرات است؛ این برنامه جز در پهنه های حسن نیت و بیطرفی کامل و کاملاً بدور از کینه و دشمنی و پیش داوری نمیتواند حرکت کند؛ در مناظره مورد بحث امید دانا در موقعیت یک فرد کینه جو، بی ادب و دشمن درجه یک نماد ملی خودش را جلوه داد و سوابق و مصاحبه ها و تهاجمات قبلی او هم به اعلیحضرت سابقه ای بود و هست که نشان از بی مصرف بودن این مناظره میدهد.

یکطرف مناظره یعنی آقای میرقادری با آرامش و متانت در جهت تحصیل از نتیجه مناظره بوده و امید دانا سعی در حفظ و وجاهت دادن به خطاهای آشکار خودش. میدانید چرا؟ برای اینکه هدف امید دانا از برنامه توطئه نامه هشدار و پیامد های آن تهاجم به اعتبار ملی و هویتی شخص اعلیحضرت است.

برداشت از نتیجه مناظره

نظریه اینکه شرایط و ارکان لازم در رعایت مناظره مزبور دیده نمیشود؛ این تحریر تمایلی به ورود در نتیجه گفتگوهای آن مناظره ندارد ولی آنچه که از ظاهر آن مناظره برمیآید همان است که سعدی میگوید:

رنگ و رخساره نشان میدهد از سر ضمیر

****** دیده شده است که در میزسخنرانی ها یک ظرف آب هم میگذارند، ولی هرگز دیده نشده است که سخنگو و یا مناظره کننده فصل به فصل قوطی های نوشیدنی که معلوم هم نیست درون آن چیست و چه موادی در آن مخلوط است سربکشند و آنقدر به آن نوشیدنی معتاد و نیازمند باشد که ته قوطی های

نوشیدنی را هم بلیسد. این چیزی نیست جز نشانی از ضمیر نگران و التهاباتی که بر امید دانا مسلط بوده است. پریشانی، ضعف در خودداری و رنگ رخساره او کافی بود که هر بیننده ای را متوجه برداشت درست از نتیجه مناظره بنماید و به این درک برسد که همان ظاهر مناظره رسوائی بزرگی برای امید دانا فراهم ساخت و حرکت های ناموزون، توسل به مداد و کاغذ، عدم کنترل و شکستن عهد مناظره و چشم های خیره آماده تهاجم همه و همه بیان کننده رسوائی این مناظره است.



****** امید دانا تا قبل از این مناظره اعلیحضرت را جناب شاهزاده، نماد ملی و فرزند شاهنشاه و نوه رضا شاه کبیر میدانست؛ در همین مناظره یک دفعه ورق فهم و شعور ایشان برگشت و همان فرزند شاهنشاه و نماد ملی ایرانیان شد «حرامزاده» این چیزی جز این نیست که امید دانا، تحت تاثیر فشار مناظره خود را باخته است؛ آنهم در حدی که نتوانسته معیار مهمی را که بر آن تکیه داشت خرد نکند.

در یک جریان تحقیق، متهمی که به این دست پاچگی و دوگانگی آویزان میشود کارش ساخته است.

****** اثبات حضور قاطع و نقش دلالی او در گردآوری توطئه نامه هشدار و متعاقب تکذیب های قبلی او نشان داد که او در آن مناظره در مقام یک فرد دروغگو قرار گرفته است، و به اظهارات چنین فردی باید همواره با احتیاط و سوء نیت نگاه کرد در تطبیق مورد همانند آن است که متهمی حضور و شرکت خود را در جنایتی منکر میشود و بعد شهادت و اوضاع و احوال خلاف آنرا ثابت میکند و متهم هم سکوت مینماید.

****** دیده اید که در اتفاقات استنطاق از متهمین، در خارج از اتاق چند متخصص و روانشناس از پشت شیشه های یکطرفه ناظر رفتار و اعمال متهمین هنگام استنطاق هستند؟ آنها از ملاحظه وضع غیر عادی و التهابات و طلب آب کردن مکرر و حرکات دست و پا و عضلات صورت، متهم آنچه را که باید تشخیص میدهند، میدهند.

دعوت به همدلی

فرصت را مناسب دانسته از آقای میرقادری بمناسبت انجام این برنامه سپاسگزاری و متقابلاً فرصتی است تا خانم ها و آقایانی که زیر فرمان این بچه بد نام، فحاش به نماد ملی ایرانیان، در حرکتی زشت و غیر قابل قبول آلوده شده اند فکری برای رفع اتهام از خودشان بنمایند.

تا فرصتی است ز نکبت گریزکن <پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار>